



منوچهر شیبانی



۳ - ریتم در تاتر

هنر تاتر از همان زمانهایی که در مصر، تراژدیهای مذهبی از بربیس را در معابد نشان میداد و در چین و هند و آسیای جنوبی به تراژدیهای حماسی مذهبی از زندگی «ویشنو» و «شیوا» و خدایان دیگر مذهب بودا میپرداخت، از ریتم جدا نبود. در تراژدیهای ماسکاراد این کشورها علاوه بر جنبه سمبولیک ماسکها، حرکات نیز تغییر شکل داده و سمبولیک بود. پاها، دستها، طرز راه رفتن، تندی و کندی حرکات هنرپیشهها، که اغلب از کاهنان انتخاب میشدند، جنبه عرفانی و مذهبی شدیدی داشت.

باریتم سمبولیک میتوانند مرموزترین حالت نهفته دنیای ذهن را نشان دهند. عقاب، شاهین، سوسمارهای بزرگ، گاوهای مقدس و موجوداتی که از جمع دو الی چندین حیوان مقدس ترکیب مییافتند باریتم حرکتی آن حیوانات دستها و پاهای خود را حرکت میدادند و روی صحنههای جلوی معبد میخرامیدند.

البته شکل و لباسهای آنها تأثیر شدیدی در ایجاد این نوع ریتم داشت. لباس مصری ها که آستین هایش گشاد و بشکل بال عقاب چین خورده بود، هنگامیکه

دست‌ها را از هم می‌کشادند چون مرغی بال‌گسترده که همه چیز را در آغوش بگیرد، یا با حرکت باز شدن و بستن دست‌ها پرواز در جهان اندیشه را در نظر بینندگان مجسم میکرد.

لباس‌های یونانی، مصری، آشوری و ایران باستان در ایجاد ریتم‌های مختلف اثر شدیدی داشت. آداب و رسومیکه در اعیاد مختلف در معابد این کشورها بجا می‌آوردند کاملاً جنبه نمایشی و در ضمن ریتمیک داشت. گاه این حرکات با موسیقی مذهبی و بوسیله‌دسته سراینده‌گان اجرا میشد. ریتم موسیقی حرکت باها و دست‌های کاهنان را تنظیم میکرد.

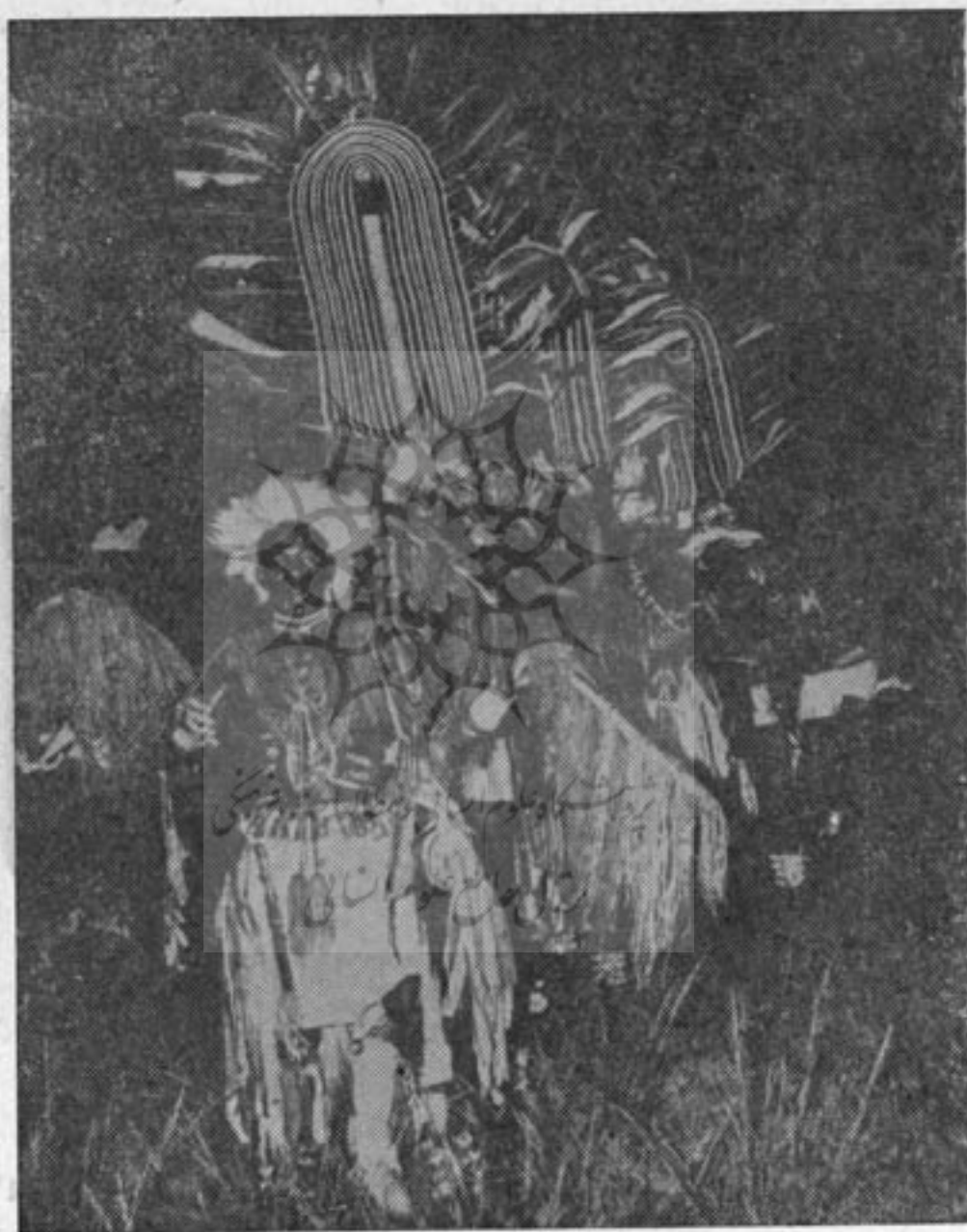
پرستش همیشه در صحنه مقابل بت بزرگ با حرکات هندسی و ریتم سنگین اجرا میشد و با تنفس تنظیم مییافت. برای تدفین بزرگان در مقابل خدای آسمان یا خدای زیرزمین که وادی مردگان است بوسیله راهب‌های زن و کاهن‌های مرد حرکاتی که برقص نزدیک بود با یک ریتم سنگین پرستش و طلب آمرزش ادامه مییافت. در معبد خدای جنگ گاهی سپاهیان نیز با یک نمایش مذهبی توأم با آوازه‌های پرستشی پیروزی می‌طلیبیدند و با حرکات سریع و خشک برآکنده و درهم که نشانه‌ای از مغلوب کردن دشمن و قدرت خود آنها بود ریتم سریعی را بکار می‌گرفتند.

در جشن‌های مذهبی که برای انکورچینی و طلیمه بهار و پیروزی اقوام مختلف در پیشگاه خدایانی چون «ازیریس» و «آفرودیت» و «آناهیت» برپا میشد، دخترکان زیبای پرستنده بارقص‌های نرم و لغزنده یک ریتم تزمینی و رمانتیک را نشان میدادند. ریتم در تئاترهای «مستری» (درام‌های مسیحی قرون وسطی) شکل خاصی بخود گرفت. در روی سکوه‌های جلو کلیسای بزرگ شهر (کاتدرال‌ها) توسط رهبانها و کشیشها با هم‌کاری انجمن شهر، داستان‌های مذهبی انجیل و تورات، بازی میشد. این درام‌های مذهبی اغلب در روزهای بازار مکاره و اعیاد بزرگ مذهبی اجرا میشد و تقریباً تمام مردم یک منطقه که در این روزها برای دادوستد گرد هم جمع می‌شدند در میدان جلو کلیسا تماشاچی نمایش‌های مستری بودند. سبک سمبولیزم در شکل حرکت «بازیگران» بچشم می‌خورد.

گاهی اصناف مختلف شهر در اجرای مستری شرکت میکردند و هر دسته مستری مخصوصی که باصنف آنها تناسب داشت بعهده می‌گرفتند. در ضمن، ریتم بازی دسته‌های مختلف همان ریتم زندگی روزانه آنها بود که بآن خو گرفته بودند. مثلاً کشتی‌سازان و ملوانان داستان کشتی نوح را بازی میکردند و زرگران و داروسازان مستری «پرستش جادوگران» را.

در ابتدا میستری ها بصورت پاتومیم اجرا میشد و دسته سرابندگان کلیسا و مردم تماشاگر قسمت صوتی و داستانی آنرا از خارج صحنه بازگو میکردند و ریتم لازم را برای حرکت به بازی کنندگان القا مینمودند.

در تراژدیهای زمان « الیزابت اول » که توسط « بن جانسون » و « شکسپیر » و دیگران از داستانهای تاریخی کهن گرفته شده بود چه در حرکات و چه در گفتار، ریتم



قارهای مذهبی و ملی و رقصهای مردم اقیانوسیه (داها)

تحت نظر قواعد و قوانین تازه ای قرار گرفت. پرورش يك تراژدی از نقطه شروع احتیاج به فضاهای مخصوصی داشت. جریان نمایش هر چه به نقطه اوج نزدیک میشد

حوادثی که وقوع آن توسط قهرمانان حتی پیش بینی میگردید، در اطراف اتفاق می- افتاد و فضای تراژدی برای مطرح کردن مسائل بفرنج تر آماده میکشت تا آنکه حتی مغز متفکر نویسنده تراژدی هم قادر به حل مسئله نهایی نبود.

در این تراژدیها ریتم حرکات بازیگر بسته به نوع «تیب» او از لحاظ روانی، متغیر بود. ولی در یک صحنه بین ریتم کلیه هنرپیشگان متحدالعقیده، هم آهنگی و در بعضی قسمتها حتی مشابهت وجود داشت صحنههایی هم دیده میشد که میدان برخورد بین تیبهای متضاد بود. همچنانکه در موسیقی پولیفونی (چندصدائی) آلات ضربی،



ایرانیان - اثر آشیل (یونان باستان) ریتم دراماتیک - کارگردان: ژان پرا

زهی و بادی که هر کدام خصوصیات مخصوصی دارند تحت قوانینی باهم هم آهنگ بکار میروند.

در نوشتن نمایشنامههای تراژدی نویسندگان و شعرای بزرگی بکار میبرداختند

که میتوانند با حفظ ریتم کلمات خوش آهنگ، تقریباً قسمتهای مختلف نمایشنامه خود را بصورت شعر یا نثر آهنگدار تصنیف کنند. شکسپیر علاوه بر اینکه نمایشنامه نویس بزرگی است شاعر زبردستی هم بحساب میآید.

تا مدتها نمیتوانستند تراژدی را از شعر جدا تصور کنند. در اکثر نمایش های مذهبی قرون وسطی و مخصوصاً تراژدی های یونان شعرای بزرگ حماسه سرا، مانند «هر» و «آشیل» یکه تاز میدان بوده اند.

بازیگران بزرگ نیز از میان خوش بیان ترین هنرمندان این رشته که با ریتم کلمات نمایشنامه آشنائی داشته و میتوانند ریتم بیان را با حرکات خود هم آهنگ کنند انتخاب میشدند.



نمایش اپرا کمیک (میریل)

البته باید دانست که در تکنیک اجرای تراژدیهای قرون گذشته هر طبقه از اجتماع ریتم خاصی را دارا بود. اشراف و شاهزادگان ریتم آرام و سنگین، افسران کارد سلطنتی و شوالیه ها ریتم خشک و دینامیک. عشاق و صحنه های بزمی ریتم بزم و ود کوراتیف و صحنه های فانتاستیک، جادوگری، ارواح و نیز صحنه های مخوف، ریتم های ضد ضرب، صحنه های پرهیجان و عصبی، ریتم قوی و برطنین...

در نمایش های کمدی ریتم سریع و گاه مقطع بکار گرفته میشود. هر چه کمدی به کمدی بوف نزدیک شود بر سرعت ریتم آن افزوده خواهد شد. جمله ها و کلماتی که نویسنده برای نمایش های کمدی انتخاب میکند تا آنجا که ممکن است باید از کلمات سیلابیک باشد. کلمه هایی که از حروف صدادار تشکیل یافته، ادای آنها سهل و با سرعت انجام میگیرد، بیان سریع آنها ایجاد اشکال نمیکند و در ضمن برای شنونده بیشتر قابل درک است.

ریتم حرکت بدن نیز ضربی و سریع است. همه اشخاص عجولانه و بی تعمق به حرکت ادامه میدهند. حرکات مردد، متزلزل و گاه جبری و بدون قصد و اندیشه قبلی انجام میگیرد.

در اپرا دراماتیک و اپرا کمیک که نمایشهایی توأم با موسیقی و آواز است از روی تند یا کند بودن ریتم موسیقی که بگوشتها و ذهنها آشناست میتوان به تفاوتهایی که میان این دو نمایش از لحاظ ریتم حرکتی، میمیک، گفتار اشخاص وجود دارد و همچنین فضای «سنکرافی» آنها پی برد.

ریتم کشور یا محلی که نمایشنامه کمدی در آن اجرا میشود (مثلا شهر ونیز برای «تاجر ونیزی» یا شهر «سویلیا» برای نمایش اپرا کمیک «باربیه دوسویل») در پیدا کردن ریتم آن نمایش اهمیت مخصوص دارد، زیرا زندگی هر کشور و شهر، ریتم بخصوصی دارد که در اجرای نمایش باید مشخص گردد.

هر نژادی نیز ریتم خاصی در حرکات خود دارد. نمایشی که در آلمان میگردد مانند «ورتر» با تأثیری نظیر «لادام او کامیلیا» در فرانسه و یا «لیلی و مجنون» در قوم عرب تفاوت های ریتمیک قابل ملاحظه ای دارند، اگرچه همه آنها درامهای عاشقانه و پرسوز و گداز است ولی این احساسات عاشقانه نیز بسبب تفاوت نژاد های مختلف سازنده آن متفاوت است و باید با ریتم های متفاوتی نشان داده شود.

در تأثرها از لحاظ اختلاف فصولی که بازی در آن انجام میگیرد، ریتم مناسب با آن باید انتخاب شود. مثلا در نمایش «اشباح» اثر ایسن، هوای بارانی اوایل پاییز سوزد در ریتم سریع حرکتی و عصبی بازیگران تأثیر بسزایی دارد.

و همین گونه در نمایشنامه «سالومه» اسکار وایلد که ماه گرفتگی در یک محیط مذهبی بنا بقایید قدیمی اثری از حادثه شوم قریب الوقوعی است.

شخصیتهای هر نمایش نیز بنا به اقتضای سن و سال یا شخصیت شغلی یا بیماری- های عضوی ریتم های مختلفی ایجاد می کنند که با شناخت ریتمهای آنها در یک نمایش، میتوان ریتم کلی را برای جریان اصلی موضوع ایجاد کرد.

اشخاص چاقی که حرکات آنها بکندی انجام میگیرد . مردم لاغر و عصبی که ریتم سریع دارند.

رؤسا و اولیا، دولت و کارخانجات و مؤسسات بزرگ که ریتم سنگین و خشک و بی انعطاف دارند. کودکان که ریتم آنها سریع، سبک، متغیر و در ضمن یکنواخت است . دانشمندان که ریتم آنها سنگین توأم با سکوت است .. هنرمندان که ریتم آنها سریع و متغیر و گاه سنگین و پرسکوت تنظیم میشود .

البته از ریتم در یک نمایش برای موقعیت های زیر استفاده میکنند:

۱ - برای بوجود آوردن امپرسیون (حالت های متفاوت) .

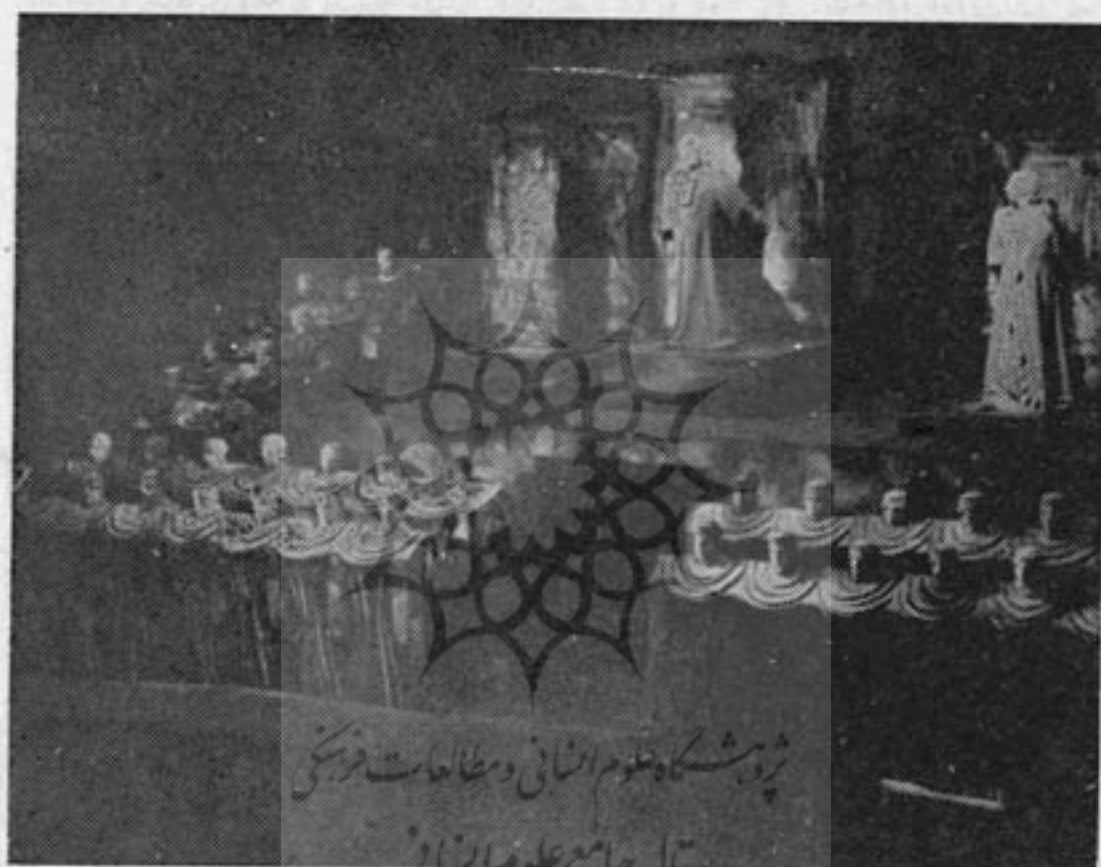
۲ - برای تغییر دادن يك صحنه .

۳ - برای نشان دادن تأثیر يك محل .



ریتم در نمایش «ژاندارک»

- ۴ - برای ایجاد ارزش شخصیت يك قهرمان نمایشنامه.
- ۵ - برای هم آهنگی بین هنریشکائی که يك عمل دستجمعی انجام میدهند :
پاروژنان يك کشتی بادبانی ، يادسته سربازهای دريك سنگر.
- ۶ - برای وصل و فصل قسمتهای مختلف يك نمایشنامه.
- ۷ - برای ایجاد پاساژ بین قسمتهای تراژدی و كمدی دريك نمایشنامه، چنانکه بتدریج از يك قسمت اندوهناك به بخش كمدی و نیز از كمدی به تراژدی بانرمی وارد شوند.



شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال جامع علوم انسانی

«شاه اودیپ» : اثر استراوینسکی
نمونه‌ای از ریتمهای دراماتیک باستانی یونان

- ۸ - برای تکرار قسمتهای مشابه در سراسر نمایشنامه بخاطر استحکام نمایش و نجات نمایشگر از انحراف ذهن بسوی جایی بجز صحنه نمایش.
- ۹ - برای معین کردن لحظه تغییر صحنه های زودگذر و ورود و خروج هنریشکان.
- ۱۰ - برای هم آهنگ ساختن حرکات اشخاص نمایشی که در ظاهر هیچ باهم آشنا نیستند.

ریتم در ضمن تعیین کننده میزان سکوت و مکت‌های حرکتی و بیانی هنرپیشگان است. اشیاء مختلف در صحنه هر کدام ریتم خاصی دارند. مثلاً کسی که چرخ چاه بزرگی را میگرداند، زنی که مشغول گرفتن نمره‌ی تلفن است و یا حامل چمدان‌هایی که هر کدام دارای سنگینی متفاوتی است. برای هر کدام از این اعمال باید ریتم خاصی در نظر گرفت.

ریتم در تمام صحنه‌ها یکسان باید حفظ گردد، در صورتیکه ضرب می‌تواند متغیر بکار گرفته شود.

یک نمایشنامه حالات مختلفی از لحاظ ریتم بوجود می‌آورد:

۱ - حالت صعودی.

۲ - حالت نزولی.

۳ - حالت افتادن ناگهانی از یک حالت به حالت دیگر.

در صحنه‌های صعودی که احساسات از لحاظ عمق بتدریج شدت می‌یابد و بسوی نقطه اوج می‌رود به سه طریق می‌توان عمل کرد:

الف: از راه تندتر کردن ضرب تا آنجا که ریتم نمایش اجازه می‌دهد.

ب: از راه تغییر دادن لحن، پائین آوردن صدا، زیروهم، عمق و سرعت آن

ج: از راه حرکت - حرکات هنرپیشه‌ها بتدریج سرعت می‌گیرد.

در صحنه‌های نزولی که عمق آهسته نزول میکند معکوس سه عمل بالا انجام

می‌پذیرد یعنی از نقطه اوج بتدریج پائین می‌آید، در بیان، در حرکت و در عمق.

صحنه‌های مهیج شامل چندین بار حرکت نزولی و صعودی پی‌درپی است که حرکت‌های صعودی قوی‌تر و نزولی ضعیف‌تر و آخرین قسمت صعودی بسیار قوی و برجسته اجرا می‌شود.

تأثیرهای مدرن که از قرن ۱۹ باسبک «ناتورالیزم» و «رئالیسم» شروع به کار کردند، ریتم طبیعت را عیناً در قسمت‌های مختلف تقلید نمودند، و البته محدود بودن اشخاص نمایشنامه، ایجاد بعدی را که در طبیعت توسط جمعیت زیادی بوجود می‌آید، امکان نمیداد. روی این اصل ریتم‌ها از ریتم‌های طبیعی چندان می‌گرفت و شکل تازه‌ای می‌یافت.

در تأثیرهای اکسپرسیونیست آلمان، فرانسه و روسیه، ریتم‌های سریع و مقطع که زوایای روح بشری را بوسیله شکل‌های هندسی رهبری می‌کرد و واضطراب و دلهره ایجاد می‌نمود بوجود آمد. البته با به پای این تأثیرها به ریتم‌های آرام و مقطع «سوررئالیستها» در تأثیر نیز می‌خوریم که «آرامشی تا سرحد مرگ» را به تماشاگران القاء می‌کند.

در آمریکا نوعی تأثیر اکسپرسیونیست معمول شد که ریتم‌های طبیعت را تشدید می‌کرد و مستقیماً از تضادهای اجتماع سرچشمه می‌گرفت.